

مرور حوادث مرگبار برای کودکان در پارک‌ها

بازی آخر



مرگ با پمپ آب در پارک



ماجرای دردناک مرگ فاطمه پنج ساله را هنوز هم خیلی‌ها به خاطر دارند. دختری که به طرز هولناکی در پمپ آب نمای پارک کوهسار شهرک رضویه جان خود را از دست داد. چهارم خرداد ۹۵ بود که فاطمه همراه مادرش تصمیم گرفتند برای گشت و گذاری کوچک به پارک بروند. پس از مدتی مادر متوجه غیبت فاطمه شد و وقتی به سمت آب‌نما رفت، دمپایی‌های فاطمه را روی آب دید. با نگرانی از نگرهبان پارک خواست تا پمپ حوض آب را خاموش کند. بعد از خاموش کردن پمپ تازه عمق فاجعه مشخص و تکه‌های بدن فاطمه روی آب نمایان شد. خیلی طول نکشید که تیم تخصصی پزشکی قانونی و پلیس به محل حادثه اعزام شدند. درحالی‌که مادر، سیاهپوش فاطمه کوچکش بود، تحقیقات برای کشف مرگ فاطمه آغاز شد. بر اساس تحقیقات، ناظر شهرداری این پارک، دختر جوانی بود که از مدت‌ها پیش بارها گزارش‌هایی در خصوص سرعت حفاظ و توری آب نما به پیمانکار و شهرداری ارائه کرده و هشدار داده بود اما اهمیتی به گزارش‌های ناظر جوان داده نشد تا این‌که فاطمه جان خود را بر اثر برخورد با پمپ آب از دست داد. پیمانکار بوسستان با زداشت و برای او قرار وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی صادر شد که او با تسلیم مبلغ وثیقه از زندان آزاد شد. در نهایت پس از گذشت یک سال از این حادثه به این موضوع در شعبه ۱۱ دادگاه بعثت رسیدگی شد و بر اساس رأی صادره، مدیر عامل شرکت پیمانکار به چهار ماه حبس و پرداخت نصف دیه مرد محکوم شد؛ حکمی که البته خلاف انتظار خانواده فاطمه بود و آنها انتظار تعیین حکم سنگین‌تری برای خاطی داشتند.

حادثه در کمین است؛ خانه باشد یا پیاده‌رو و خیابان، دریا باشد یا بیابان خشک و بی‌آب و علف، فرقی نمی‌کند. پای بی‌احتیاطی فردی و چاشنی بی‌دقتی مدیریتی که در میان باشد، همه چیز جور و آماده است برای وقوع یک حادثه تمام عیار و گرفتن جان یا نقص عضو و مصدومیت موقتی. یکی از حادثه‌خیزترین نقاط، پارک‌ها، بوستان‌ها و شهر بازی‌ها هستند که برخلاف ظاهر خوشرنگ و لعاب و جذاب‌شان، پر از خطر هستند و نتیجه غفلت از این خطرهای پیزی نیست جز یک عمر پشیمانی. آب‌نماها، دریاچه‌های مصنوعی کوچک، دستگاه‌های بازی مخصوص کودکان همه خطرهای بالقوه‌ای دارد که بارها جان کودکان برای کودکان در پارک و بوستان‌ها پرداخته‌ایم. گذشته هم شاهد تکرارش بودیم. این هفته به مرور مهم‌ترین و البته مرگبارترین حوادث برای کودکان در پارک و بوستان‌ها پرداخته‌ایم.

لیلا حسین‌زاده

تپش

سقوط مرگبار تیر دروازه



محل حادثه بوستانی در مشکین‌دشت کرج و قربانی یک پسر ۱۱ ساله به نام سینا بود. در گرمای یکشنبه سی‌ام خردادماه امسال، ناگهان پدری آشفته‌حال در حالی‌که بدن خون‌آلود پسرش را در آغوش گرفته بود، وارد بیمارستان شد و با استیصال از پزشکان درخواست کمک کرد. در یک لحظه اطراف پسر پر شد از پزشکان و پرستارانی که هر کدام تلاش می‌کردند جان پسرک را نجات دهند اما شدت ضربه مغزی وارد شده به سر پسر نوجوان به حدی بود که او در نهایت تسلیم مرگ شد. پس از فوت سینا، ماموران تحقیقات در مورد این حادثه را آغاز کردند. طبق توضیحات پدر سینا، روز حادثه، سینا همراه پسرخاله‌اش که همسن و سال هستند، از او خواستند آنها را برای بازی فوتبال به پارک ببرد. پدر هم پذیرفت و همراه آنها و خانواده به پارک مطهری در مشکین‌دشت رفتند. سینا و پسرخاله‌اش با ذوق وارد زمین فوتبال شدند که از مدت‌ها پیش مستهلک شده بود و فقط بچه‌ها از آن به عنوان زمین بازی استفاده می‌کردند. سینا و پسرخاله‌اش مشغول بازی شدند و پدر نیز سرگرم کردن کباب بود که دقایقی بعد پسرخاله سینا با سرورویی آشفته به سمت پدر سینا رفت و گفت تیر دروازه روی سر سینا سقوط کرده است. پدر وحشت‌زده و هراسان به محل حادثه رفت و پسرش را با با دستان خودش از زیر تیر آهنین بیرون کشید و به بیمارستان برد. از قرار معلوم، تیر دروازه‌ای که روی سینا سقوط کرده بود، به درستی در زمین محکم نشده بود و برای همین هر لحظه امکان سقوط آن وجود داشت. حادثه‌ای که خیلی‌ها از مدت‌ها پیش نگران وقوعش بودند، بالاخره رنگ واقعیت به خود گرفت و تیر دروازه ۳۰۰ کیلویی قربانی بی‌گناهش را گرفت.

اتصال برق، قاتل امیرعلی



۲۰ خرداد امسال هم پارک رازی تهران، شاهد وقوع حادثه‌ای مرگبار برای پسر بچه شش ساله‌ای به نام امیرعلی بود که بر اثر برق‌گرفتگی ناشی از اتصال تیر چراغ برق جان خود را از دست داد. در حالی‌که تیم تحقیقات مشغول بررسی حادثه بودند، یکی از بستگان نزدیک امیرعلی در مورد مرگ برادرزاده‌اش گفت: «من و برادرم اغلب اوقات بچه‌های مان را برای دوچرخه‌سواری به پارک رازی می‌بردیم. روز حادثه نزدیک آنها نشستیم و مشغول صحبت بودیم که امیرعلی دوچرخه‌اش را کنار گذاشت و کفش‌هایش را درآورد تا کمی استراحت کند. مشغول صحبت بودیم که ناگهان صدای داد و فریاد در پارک پیچید.»



با شنیدن صدای فریاد، عمو و پدر امیرعلی به سرعت دنبال صدا رفتند و متوجه جمعیتی شدند که سعی داشتند به مصدومی کمک کنند. جلوتر که رفتند امیرعلی را دیدند که دو نفر سعی داشتند او را احیا کنند. آن‌طور که یکی از رهگذران برای عمو و پدر امیرعلی توضیح داد، آن روز امیرعلی پس از دیدن یک بچه گربه، حیوان را دنبال کرد که در ادامه دست یا پایش با تیر چراغ برق برخورد کرد و دچار برق‌گرفتگی شد. پدر امیرعلی با اورژانس تماس گرفت و دقایقی بعد آمبولانس از راه رسید و امیرعلی را که به نظر می‌رسید دیگر جانی در بدن ندارد، به بیمارستان منتقل کرد. در بیمارستان پزشکان تلاش کردند پسرک را احیا کنند، اما بی‌فایده بود و به پدرش خبر دادند قلب کوچک امیرعلی از تپش ایستاده است. پس از مرگ امیرعلی، پدر او در خصوص مرگ پسرش شکایتی تنظیم کرد تا مقصران این حادثه دردناک شناسایی شوند.

حادثه سرسره بادی و مرگ ۳ کودک

ماجرای مرگ مصطفی ۹ ساله و امیر شش ساله و ایمان بر اثر ترکیدن سرسره بادی، حادثه‌ای است که هنوز هم اهالی کاخک استان خراسان رضوی آن را به یاد دارند. سوم اردیبهشت ماه سال ۹۳ بچه‌ها با شور و شوق زیادی مشغول بازی در پارک بودند. در حالی‌که همه چیز خیلی خوب به نظر می‌رسید، ناگهان تشک بادی سرسره بازی منفجر شد و سه کودک بر اثر این انفجار به شدت به فاصله‌ای دورتر پرتاب شدند. یکی از کودکان ۱۶ متر پرتاب شد و شدت جراحات او به حدی بود که در دم جانش را از دست داد.

دو کودک دیگر هم با این‌که بر اثر انفجار و پرتاب شدید، به شدت مجروح شده بودند اما هنوز نفس می‌کشیدند و برای همین به بیمارستان منتقل شدند. کادر درمان اقدامات پزشکی را آغاز کردند، ولی تلاش‌ها بی‌فایده بود و امیر و مصطفی جان خود را از دست دادند. بر اساس تحقیقات انجام شده، علت اصلی حادثه، انفجار تشک بادی سرسره بازی و آزاد شدن مقدار زیادی هوا با فشار زیاد باعث شد سه کودک به کام مرگ فروروند. به گفته بستگان یکی از قربانیان حادثه، شهرداری و مسؤول پارک مقصران اصلی بودند؛ ولی هیچ‌کس از آنها دلجویی نکرد.

